

باهم بخوانیم...

نخستین داستان‌ها برای فکر کردن

رابرت فیشر، ترجمه زهرا طباطبایی
انتشارات مدرسه، چاپ اول، سال ۱۳۹۵، ۱۲۸ صفحه



چرا دانش‌آموزان باید کتاب بخوانند؟ و چرا والدین باید آن‌ها را به کتاب‌خوانی تشویق کنند؟ عادت دادن دانش‌آموزان به خواندن کتاب باعث پیشرفت تحصیلی، رشد علمی و افزایش دانش آن‌ها شده و زمینه پویایی فکری آن‌ها را نیز فراهم می‌کند. اگر در این زمینه موفق شویم، دانش‌آموزان بنیه علمی قوی‌تری پیدا می‌کنند که حتی باعث تقویت و بهبود روابط اجتماعی، تقویت زبان‌آموزی (زبان فارسی) و آموختن واژگان جدید می‌شود. یکی دیگر از موارد با اهمیت در این زمینه، تقویت خوب گوش دادن آن‌ها است. دانش‌آموز با خواندن کتاب‌های متعدد به شنونده فعالی تبدیل می‌شود که با کیفیت بهتر و سرعت بیشتر یاد می‌گیرد.

کتاب نخستین داستان‌ها برای فکر کردن؛ مجموعه طرح‌هایی برای رشد، تفکر و یادگیری است که به اهمیت داستان و افکار ایجاد شده در حین مطالعه می‌پردازد و برای ارتقای سطح سواد، اهدافی از قبیل سطحی خواندن، اجمالی مرور کردن، استدلال (استنباط، استنتاج و ایجاد ارتباط) و ارزش‌یابی را بیان می‌کند. فیشر نقل‌قول داستان را مانند حلقه کندوکاوی می‌داند که هر فرد می‌تواند داستانی را در محیط سالم و محرک بحث و گفت‌وگو کند. وظیفه‌های معلم در این حلقه شامل: خواندن داستان، دعوت برای طرح سوال، هدایت گفت‌وگو، دعوت برای مرور بحث و معرفی فعالیت‌های مشابه می‌شود. وی روش‌های خواندن را با یک متن مشترک نشان می‌دهد و تمامی کودکان کلاس آن متن را با هم می‌خوانند و درباره ویژگی‌های آن گفت‌وگو می‌کنند که باعث ایجاد تعامل بیشتر بین دانش‌آموزان و معلم می‌شود. این کتاب حاوی سی داستان با مضامین خاصی از قبیل فراموشی، تنبلی، شجاعت، عصبانیت، گنج، صداقت، مهربانی و ... است که پس از داستان با دو مجموعه سوال و یک مجموعه فعالیت روبرو می‌شویم. سوال اول در مورد محتوای داستان است و با پرسش «منظور و مفهوم داستان چیست؟» شروع شده و در نهایت با ده سوال بعد ادامه می‌یابد که باعث ایجاد گفت‌وگو میان دانش‌آموزان می‌شود. مجموعه سوالات دوم تاملی بر مفهوم داستان است که با سوالاتی درباره مضمون آن داستان آغاز و در ده سوال بعدی نکات کلیدی بررسی می‌شود. این سوالات باعث روشن شدن مفهوم و منظور داستان است که بچه‌ها می‌توانند در کلاس درس درباره آن بحث کنند و در صورتی که به جواب نرسیدند، با طرح ده سوال، مرحله به مرحله و به تدریج به جواب پرسش کلیدی سوق داده می‌شوند.

استادان و نااستادانم

عبدالحسین آذرنگ

نشر تهران، موسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب، سال ۱۳۹۳، ۱۸۴ صفحه

آثار فراوانی به قلم «عبدالحسین آذرنگ» مترجم و نویسنده معتبر در ادبیات ایران، منتشر شده است، آثاری که چه تالیف و چه ترجمه همه در زمره خواندنی‌ها جای گرفته‌اند. در حُسن نام و اعتبار قلم آذرنگ همین بس که کتاب خاطرات او «استادان و نااستادانم» از سال ۱۳۹۳ تاکنون هفت بار تجدید چاپ شده است.

کتاب استادان و نااستادان، حول محور آموزش می‌چرخد اما بسیاری موارد دیگر را از جمله فرایندهای اجتماعی، فرهنگی و زیستی که برگرفته از تجارب زیسته نویسنده است، پوشش می‌دهد. وی در مقدمه کتاب می‌نویسد: «نخستین جرقه برای نوشتن این کتاب سال ۱۳۷۰ یعنی در ابتدای زمان تدریس در ذهنم زده شد.» آذرنگ در این کتاب از روز اول مدرسه و مدیری که به دستش می‌نویسد، تصویری که در تمام طول تحصیل تا دانشگاه ادامه دارد و انگشت‌شمارند معلمانی که به جای ترکه، شیوه محبت را برای تدریس خود برگزیده‌اند. در دانشگاه هم از استادانی که استاد هستند و از آن‌ها که نااستاد هستند نیز می‌نویسد که باز هم آن‌هایی که لذت یادگیری را به او می‌آموزند، تنی چند بیشتر نیستند. نکته جالب این‌جاست که آموخته‌هایش از دوران تحصیل فقط به

پای معلمان و استادانی نمی‌نویسد که در کلاس‌شان حاضر شده بلکه هم‌درسان، مدیران، کتابداران و الهام‌بخشانی را نیز در جرگه استادانش می‌آورد. وقتی نویسنده از «بهرامی‌شاد» هم‌نیمکتی کلاس اولش، که به او نقاشی کلاغ‌ها را با خط‌های ۷ بار یاد می‌دهد، یا وقتی از ارتباط خوب حبیب با پدرش متأثر می‌شود یا گفت‌وگوهایش با «باوند» و «خرم» و ... که در دوران دانشجویی با آن‌ها



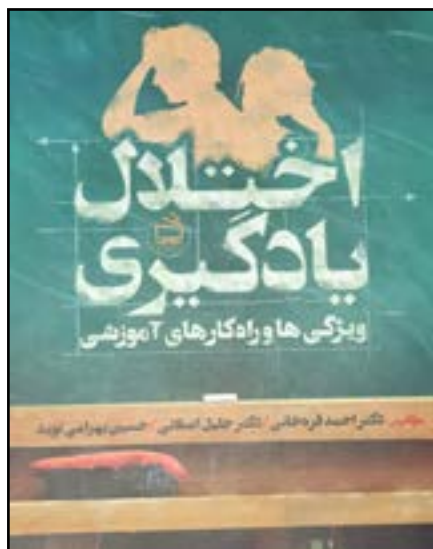
آشنا شده است، در واقع به نکته مهم آموزش از همسالان اشاره می‌کند. آذرنگ در شروع کار جدی‌اش این درس را می‌آموزد چگونه می‌توان روی پای خود ایستاد و به استاد اتکا نکرد، چگونه می‌توان سواد و دانشی بیش از درس‌های دانشگاهی آموخت، و آن مرزهایی که استادان را از نااستادان جدا می‌کند، کجا، چرا و چگونه کشیده می‌شود؛ و اگر استادی به کارش و به دانشجویانش مهر نوزد، از آموزش او ثمری به بار نمی‌شیند. این کتاب خوش‌خوان را نه به‌عنوان یک کتاب که در آن نکات آموزشی به شکل فهرست‌وار آمده بلکه به‌عنوان یک کتاب که باید نکاتش را از میان سطوری که از دل زندگی آموزشی عبدالحسین آذرنگ بیرون آمده است، بخوانید.

اختلال یادگیری

دکتر احمد قره‌خانی، دکتر جلیل اصفهانی، حسین بهرامی نوید

انتشارات مدرسه

چاپ اول، سال ۱۳۹۵، ۱۴۸ صفحه



کتاب اختلالات یادگیری کودکان (خواندن، نوشتن، ریاضی) نوشته گروهی از نویسندگان همراه با راهنمودهای عملی برای والدین و معلمان است تا آموزش‌های لازم را در مورد دانش‌آموزانی که دچار اختلالات یادگیری هستند به‌طور کامل شناخته و در رفع این اختلالات گامی موثر برداشته شود.

در این کتاب، دلایل اختلال یادگیری ریاضیات، خواندن و نوشتن در بچه‌ها بررسی شده و با ارائه تمرین‌های مختلف راه‌های بهبود و رفع آن‌ها را بیان می‌کند. نقش «معلم و مربی» به دلیل ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان و سپس والدین را به‌عنوان فردی که در مشکلات یادگیری کودک و حل آن درگیر هستند، بسیار موثر معرفی می‌کند.

اختلال یادگیری به معنای رشد ناکافی مهارت‌های خاص تحصیلی است که دلایلش بیماری جسمی یا عصبی نیست. به بیانی دیگر در کودکان دارای اختلال یادگیری ویژگی‌های مربوط به عقب‌ماندگی ذهنی، اختلالات هیجانی،

نارسایی‌های جسمی یا معلولیت‌های حسی دیده نمی‌شود ولی با این حال نمی‌توانند از برنامه‌های آموزشی مدارس بهره ببرند. به عبارت دیگر دانش‌آموز مبتلا به این اختلال نیازمند شیوه‌های خاصی در آموزش هستند که با شیوه‌های معمول استفاده شده برای هر دانش‌آموز متفاوت است. در نهایت هر اختلالی که در آن موفقیت تحصیلی فرد، با توجه به سن، نوع آموزش و هوش، در آزمون‌های معیار خواندن و نوشتن و محاسبه، از آن چه انتظار می‌رود بسیار کمتر باشد، اختلال یادگیری توصیف می‌شود. این کودکان علی‌رغم هوش طبیعی در یک یا چند حوزه درسی مشکل یادگیری دارند و توانایی ایشان در خواندن، نوشتن و یا ریاضیات به‌طور قابل توجهی کمتر از سطح توانایی عمومی دیگر کودکان است.

نارسایی‌های ویژه یادگیری می‌توانند به دو دسته تقسیم شوند:

۱- نارسایی‌های یادگیری تحولی که با عنوان فرآیندهای روانشناختی اساسی از آن یاد می‌شود، و خود به دو بخش نارسایی‌های اولیه از جمله توجه، حافظه، ادراک و نارسایی‌های ثانویه شامل تفکر و زبان شفاهی تفسیر می‌شود.

۲- نارسایی‌های یادگیری تحصیلی که با آن‌ها در دبستان مواجه هستیم و در خواندن، نوشتن و محاسبه‌های ریاضی نمود پیدا می‌کند.

معمولاً اگر نارسایی‌های اولیه در دوران پیش از دبستان شناخته و برای رفع آن اقدام شود نارسایی یادگیری تحصیلی کمتر بروز پیدا می‌کند.

در دانش‌آموزی که نمی‌تواند حروف و صدا را تطبیق دهد با ستاره‌دار کردن حروف اول سعی بر جلب توجه او داشته باشیم و یا برای تشخیص کلی کلمه کارتهایی را با تصویر تهیه کرده تا دانش‌آموز آن‌را ردیابی کند و بدون نگاه کردن به تصویر کلمه را بشناسد. اختلالات یادگیری در کودکان علاوه بر نارسایی‌های تحولی و تحصیلی که در حوزه شناختی یادگیری است، در حوزه هیجانی و اجتماعی نیز تاثیرگذار است. نگاه و نگرش منفی به خود و دیگران، عدم پاسخگویی به دیگران در تعاملات اجتماعی، الگوهای نامناسب خوداظهاری، روحیه ضعیف، عزت‌نفس پایین و کمبود مهارت‌های اجتماعی و بسیاری از موارد دیگر ناشی از اختلال یادگیری در حوزه هیجانی است. بزرگ‌سالان مبتلا به این اختلال، ممکن است در زمینه‌های استخدامی یا سازگاری اجتماعی با مشکلات جدی مواجه شوند. در بخش درمان شناختی-رفتاری می‌توان فعالیت‌هایی برای بهبود این اختلالات انجام داد. از قبیل ایجاد نمونه‌هایی که دارای موقعیت‌های مختلف احساسی هستند که در قسمت اول اشکال با رنگ یکسان (با کودکان دیگر، شب در رختخواب، در خانه، همراه با پدر و مادر، تنها و ...) است که می‌بایست به قسمت دوم که شامل احساساتی است که شما در آن قرار می‌گیرید (آرام، عصبانی، آشفته و ...) می‌باشد وصل کنند. خواندن این کتاب برای مدیران و معلمان جهت آگاهی‌بخشی به والدین به‌شدت توصیه می‌شود.